

نگاهی به یک ترجمه

منصور نصیری*

چکیده

اگر بخواهیم مترجم خوب را در یک عبارت مشخص کنیم باید بگوییم: «مترجم خوب کسی است که علاوه بر احاطه بر موضوع و رشته مورد ترجمه، به زبان مبدأ و مقصد مسلط باشد». عدم مهارت در رشته مربوط و عدم تسلط به هر یک از این دو زبان و یا عدم رعایت اقتضائات و قواعد هر یک از این دو، موجب بروز خلل در انتقال مقصود می‌گردد. در این نوشته ترجمه‌ای از یک مقاله ۱۸ صفحه‌ای را که در یکی از مجلات تخصصی کشور (مجله قیسات) به چاپ رسیده است انتخاب کرده‌ایم و برای ارتقای دانش فهم و درک متون انگلیسی، به بررسی اجمالی آن پرداخته‌ایم.

در این نقد برای بیان ترجمه مترجم از کلمه «ترجمه» و برای اشاره به ترجمه درست و مورد نظر خود از عنوان «ترجمه پیشنهادی» استفاده کرده‌ایم و در صورت لزوم، ذیل عنوان «توضیح» به بیان نکته یا نکات کلیدی در عبارت مربوط پرداخته‌ایم.

کلید واژه‌ها: تمدن، گفتگوی تمدن‌ها، شرایط وارد شدن در گفت‌وگو، موانع گفت‌وگو، مک‌اینتایر.

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. دریافت: ۸۷/۱۱/۱ - پذیرش: ۸۷/۱۲/۱

1. Samuel Huntington offers a political analysis of the contemporary world as divided into several civilizations with different religions, histories, identities and values.

ترجمه: ساموئل هانتینگتون تحلیلی سیاسی از دنیای معاصر ارائه می‌دهد که در آن جهان به چند تمدن، ادیان، تاریخ‌ها، هویت‌ها، و ارزش‌ها تقسیم شده است.
ترجمه پیشنهادی: ساموئل هانتینگتون تحلیلی سیاسی از جهان معاصر ارائه می‌دهد که در آن جهان معاصر را، به چند تمدن دارای ادیان متفاوت، تاریخ، هویت و ارزش‌های گوناگون تقسیم کرده است.

توضیح: مترجم محترم، واژه «with» را به معنای «علاوه بر» و «توأم با» فهمیده است و حال آنکه این کلمه در عبارت مزبور به اصطلاح قید برای several civilizations می‌باشد و مراد این است که هانتینگتون در تحلیل خود، جهان را به چند تمدن که دارای ادیان متفاوت، تاریخ، هویت و ارزش‌های گوناگون است تقسیم کرده است.

2. So, if we are to make any sense out of the idea of a dialogue among civilizations we have to find some way to cash out the metaphor.

ترجمه: بنابراین، اگر بناست که معنایی برون از (معنای مطابقی) ایده گفت‌وگوی بین تمدن‌ها پرداخته شود، باید طریقی به یافتن وجه استعاره یافت.

ترجمه پیشنهادی: از این رو، اگر قرار است از اندیشه گفت‌وگوی تمدن‌ها چیزی سردرپیاوریم، باید راهی پیدا کنیم که استعاره مذکور را معنا کنیم.

توضیح: در عبارت مزبور، مترجم محترم بدون توجه و دقت کافی یک اصطلاح را به گونه‌ای تحت‌اللفظی معنا کرده است و این موجب خلط معنا شده است. واژه «make sense of» به معنای سردرآوردن و درک کردن است.

3. But there are obstacles to dialogue among civilizations beyond the fact that civilizations lack the appropriate body parts, and these must also be considered as we reflect on how to understand the idea of a dialogue among civilizations.

ترجمه: اما موضعی فراتر از این واقعیت که تمدن‌ها فاقد اجزای بدنی‌اند در کار است و باید مورد ملاحظه قرار گیرد. از این‌رو، باید تأمل بیشتری کرد در مورد اینکه چگونه ایده گفت‌وگوی بین تمدن‌ها را درک کنیم.

ترجمه پیشنهادی: اما گذشته از اینکه تمدن‌ها فاقد اعضای بدنی و جسمی مناسب برای گفت‌وگو هستند، موانع دیگری وجود دارند که سد راه گفت‌وگوی تمدن‌ها هستند و چنانچه بخواهیم در نحوه فهم و درک اندیشه گفت‌وگوی تمدن‌ها به تأمل پردازیم، باید این موانع را در نظر داشته باشیم.

توضیح: در عبارت مذکور، کلمه «obstacles» به معنای موانع است و نه مواضع. همچنین «beyond» در این سیاق به معنای «بجز» می‌باشد. عدم توجه به این دو مورد موجب شده است که ترجمه نامفهوم شود و ارتباط دو جمله مشخص نباشد. علاوه بر این دو نکته، مترجم محترم معنای جمله دوم را اساساً متوجه نشده است و چون نتوانسته است نقش «as» را در «as we reflect on» متوجه شود، معنای نادرستی از جمله دوم ارائه کرده است.

4. If the dialogue is to be effective for the sort of transformation of which Plato speaks, it may be a useful reminder to think of bridging the gap from other to self instead of the more common phrase, 'self and other'

ترجمه: اگر بناست که گفت‌وگو برای نوعی از دگرگونی که افلاطون از آن سخن می‌گفت مؤثر باشد، یادآوری این مطلب مفید خواهد بود که به جای عبارت رایج «خود و دیگری» از پل زدن بر شکاف دیگری با خود اندیشید.

ترجمه پیشنهادی: اگر بناست «گفت‌وگو» در ایجاد همان تحولی که افلاطون از آن سخن می‌گوید مؤثر باشد، یادآوری این نکته مفید است که باید به جای تعبیر بسیار رایج «خود و دیگری»، در اندیشه آن باشیم که چگونه می‌توان از «دیگری» به سوی «خود» پلی ایجاد کرد.

توضیح: درست است که کلمه «for» به معنای «برای» و جز آن است، اما در اینجا به اقتضای کلمه «effective» و معنای فارسی آن، ترجمه آن به «در» یا «در مورد» بهتر و روان تر است. همچنین واژه «from» در سطر سوم - به اصطلاح - متعلق به «bridging» است، اما مترجم محترم به این نکته پی نبرده و از عبارت «bridging...» معنای نامفهومی را ارائه داده است. روشن است که فعل «اندیشیدن» با حرف «از» به کار نمی رود.

5. In a metaphorical sense, all of the products of a civilization may be considered its speech.

ترجمه: به معنایی مجازی، تمام محصولات (= تولیدات) یک تمدن را باید سخنان آن در نظر گرفت.

ترجمه پیشنهادی: در یک معنای استعاری می توان همه فرآورده های یک تمدن را سخنان آن دانست.

توضیح: مترجم محترم، بدون توجه و دقت، واژه «may» را به معنای «باید» دانسته است. در واقع، این واژه را به اشتباه با واژه «must» یکسان دانسته است، در حالی که این واژه بیانگر امکان و جواز می باشد.

6. Often it takes ages before the products of a culture may be seen to influence those of another, as the styles of an ancient civilization become fashionable in a modern one. There are also cases of fairly rapid exchange, as Japanese technology imitated that of the West, and was soon itself emulated in European and American factories.

ترجمه: غالباً سالیانی طول می کشد تا محصولات یک فرهنگ در محصول فرهنگ دیگری نفوذ پیدا کند؛ همچون سبک های تمدن باستانی که در قالب تمدنی جدید مُدپذیر می شوند. همچنین مواردی از مبادله نسبتاً سریع وجود دارد، همچون فناوری ژاپنی که فناوری غرب را سرمشق قرار داده و به سرعت با کارخانه های اروپایی و آمریکایی به رقابت برخاسته است.

ترجمه پیشنهادی: در غالب موارد سال‌ها طول می‌کشد تا بتوان تأثیر و نفوذ محصولات یک فرهنگ را در محصولات فرهنگ دیگر مشاهده کرد؛ نظیر آنکه سبک‌های یک تمدن باستانی در یک تمدن مدرن رایج شود. البته مواردی نیز وجود دارد که در آنها این تبادل فرهنگی نسبتاً سریع انجام پذیرفته است؛ مثلاً ژاپن در فناوری، نخست غرب را الگوی خود قرار داد، آن‌گاه طولی نکشید که همین فناوری ژاپن، مورد تقلید کارخانجات اروپایی و آمریکایی واقع شد. توضیح: ترجمه واژه «fashionable» به مُدپذیر، علاوه بر آنکه نادرست است، هیچ‌گونه مفهوم معقول و قابل درکی را نمی‌رساند. همچنان‌که در ترجمه پیشنهادی آمده است منظور از این واژه با فعل قبل از آن، رایج شدن می‌باشد. همچنین منظور از تعبیر «emulated» رقابت کردن نیست، بلکه همان‌طور که از سیاق متن روشن می‌شود، مراد مورد تقلید قرار گرفتن است.

7. Through imitation and modification, through montage and even outright purchase, people, cultures, nations and civilizations show that they are listening to one another.

ترجمه: از طریق تقلید و جرح و تعدیل، از طریق مونتاژ و حتی خرید کامل، مردم، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نشان می‌دهند که چگونه با یکدیگر سخن می‌گویند. **ترجمه پیشنهادی:** مردم، فرهنگ‌های متفاوت، ملت‌ها و تمدن‌های گوناگون از طریق تقلید، جرح و تعدیل، مونتاژ و حتی خرید کامل محصولات فرهنگی نشان می‌دهند که به سخنان یکدیگر گوش فرامی‌دهند.

توضیح: اشتباه مترجم محترم، در دو مورد است؛ نخست آنکه نهاد جمله فارسی را همانند انگلیسی پس از قید آورده‌اند، در حالی که نهاد همواره در ابتدای جمله قرار می‌گیرد. عدم رعایت این نکته موجب سنگین شدن عبارت گشته است؛ دوم آنکه کلمه «listening» را به معنای سخن گفتن دانسته‌اند و حال آنکه این واژه به معنای گوش فرا دادن است.

8. Rhetoricians use the term *synecdoche* for the trope in which a part or individual represents the whole or type, as well as the reverse. So, we might say that a dialogue among civilizations takes place when individuals belonging to different civilizations engage in dialogue.

ترجمه: بلغاء از اصطلاح «synecdoche» (= ذکر جزء و اراده کل و یا بالعکس) برای معنای مجازی‌ای استفاده می‌کنند که جزء یا فرد کل یا نوع را نشان دهد و بالعکس. بنابراین، می‌توان گفت، گفت‌وگوی بین تمدن‌ها وقتی رخ می‌دهد که افراد وابسته به تمدن‌ها وارد گفت‌وگو شوند.

ترجمه پیشنهادی: دانشمندان علم بلاغت از اصطلاح «synecdoche» برای دلالت بر معنای مجازی‌ای استفاده می‌کنند که در آن جزء یا فرد، نمایانگر کل یا نوع و یا برعکس است. از این رو، ما می‌توانیم بگوییم: گفت‌وگو میان تمدن‌ها هنگامی تحقق می‌پذیرد که افراد متعلق به تمدن‌های گوناگون وارد گفت‌وگو شوند.

توضیح: منظور از واژه «rhetoricians» دانشمندان علم بلاغت است، نه بلغا یا افراد بلیغ. علاوه بر آن، ذکر معنای یک واژه در پراکنش با توجه به اینکه در جملات بعدی این کار انجام شده است، زائد و موجب سردرگمی خواننده است.

9. Even if there were free and fair elections held in the lands in which the various civilizations advance and decline, it is doubtful whether true representatives of those civilizations would be elected.

ترجمه: حتی اگر انتخابات آزاد و عادلانه در سرزمین‌هایی که محل رشد و افول تمدن‌های متنوعی‌اند وجود داشته باشد، (همچنان) اینکه نمایندگان راستین آن تمدن‌ها برگزیده شده باشند، مورد شک است.

ترجمه پیشنهادی: حتی اگر در سرزمین‌هایی که محل رشد و افول تمدن‌های گوناگون‌اند، انتخابات آزاد و عادلانه‌ای برگزار شود، محل تردید است که آیا در این انتخابات نمایندگان واقعی آن تمدن‌ها برگزیده می‌شوند یا نه.

توضیح: ترجمه پیشنهادی تنها برای روان‌تر شدن ترجمه است. درست است که واژه «doubtful» از ریشه «doubt» است که معنای اولیه آن شک کردن است، اما باید توجه داشته باشیم که در اینجا مراد از شک شک منطقی نیست، بلکه مراد عدم اطمینان به درستی نتیجه انتخابات است. علاوه بر آنکه، در انگلیسی نیز این واژه به این معنا به کار می‌رود.

10. There can be no meaningful dialogue when the participants are busy taking up defensive postures.

ترجمه: هنگامی که شرکت‌کنندگان کاملاً حالت دفاعی را ادامه دهند، گفت‌وگو معنای محصلی می‌تواند داشته باشد.

ترجمه پیشنهادی: چنانچه طرفین کاملاً موضع دفاعی به خود گرفته باشند، گفت‌وگو نمی‌تواند معنایی داشته باشد.

توضیح: ترجمه پیشنهادی برای روان‌تر کردن و نزدیک‌ساختن عبارت به معنای واقعی آن است. در عبارت انگلیسی از فعل «continue» خبری نیست تا بتوان مفهوم ادامه‌دادن را از آن اخذ کرد، بلکه از «busy» استفاده شده است که همراه با واژگان بعدی نشان‌دهنده حالتی است که در ترجمه پیشنهادی آمده است.

11. MacIntyre continues with a discussion of personal identity in Aristotelian/Augustinian traditions.

ترجمه: مک‌آینتایر بحث هویت شخصی را در سنت‌های ارسطویی و آگوستینی ادامه می‌دهد.

ترجمه پیشنهادی: مک‌آینتایر، سخن را با بحثی درباره هویت شخصی در سنت ارسطویی - آگوستینی ادامه می‌دهد.

توضیح: در انگلیسی، همانند بسیاری از زبان‌های دیگر، گاه مفعول یک فعل به دلایلی، از جمله به دلیل روشن‌بودن آن حذف می‌شود. در عبارت مزبور نیز

مفعول «continue» حذف شده است، اما مترجم محترم متوجه این نکته نشده و «discussion of personal identity» را مفعول آن قرار داده است، در حالی که فعل مزبور با «with» به کار نمی‌رود و گذشته از آن، چنین معنایی مفهوم قابل قبولی ندارد.

12. To belong to a civilization is to see one's own personal identity as a part of the identity of one's civilization.

ترجمه: اینکه شخصی متعلق به تمدنی است باید باعث شود هویت شخصی آن فرد را بخشی از هویت تمدنش دید.

ترجمه پیشنهادی: تعلق به یک تمدن بدان معناست که فرد هویت شخصی خود را به عنوان بخشی از هویت تمدن خود بداند.

توضیح: در عبارت انگلیسی واژه‌ای که حاکی از علیت و موجب شدن باشد، وجود ندارد.

13. To be accountable in a dialogue of civilizations is to be open to having to give an account of what one has either said or done, or of the ideas and practices of the civilization with which one identifies, and then to be open to having to amplify, explain, defend, and if necessary, either modify or abandon that account, and in this latter case to begin the work of supplying a new one in terms the alien can understand, or be taught to understand.

ترجمه: مسئول بودن در گفت‌وگوی بین تمدن‌ها به معنای بازبودن برای ارائه گزارش نسبت به آنچه شخص قبلاً گفته یا انجام داده، یا نسبت به ایده‌ها و کردارهای تمدنی که او با آن پیوند دارد، است و بدین سان به معنای بازبودن برای شرح و بسط دادن، تبیین، دفاع و در صورت لزوم تعدیل یا ترک آن شرح است. در این مورد اخیر (= ترک آن شرح) باید شروع به ارائه شرح جدید در ضمن اصطلاحاتی که شخص بیگانه بتواند بفهمد، یا پس از آموختن بفهمد، کند.

ترجمه پیشنهادی: پاسخگوبودن در گفت‌وگوی تمدن‌ها بدان معناست که انسان در قبال گفتار و اعمال خود یا ایده‌ها و اعمال و رفتارهای تمدنی که به آن احساس تعلق و وابستگی می‌کند آماده پاسخ‌گویی باشد و نیز حاضر باشد تا به شرح، تبیین، دفاع و در صورت لزوم به اصلاح توصیف و بیانات خود بپردازد و یا حتی از آن دست شوید و چنانچه از آن دست شست، کار را با عرضه و ارائه بیان جدید و در قالب اصطلاحاتی آغاز کند که برای آن طرف بیگانه قابل فهم باشد و اگر قابل فهم نیست، بتواند از طریق آموزش آن را به صورت قابل درآورد.

توضیح: مترجم محترم عبارت مذکور را کاملاً تحت‌اللفظی ترجمه کرده است. ترجمه تحت‌اللفظی حتی در صورتی که مفهوم نویسنده را برساند پذیرفته نیست. این در حالی است که در مورد مزبور، معنا و مراد نویسنده نیز به درستی منتقل نشده است.

14. In fact, the idea that there are any representatives of a single civilization, a single unspoiled tradition, ought to be recognized as a potentially dangerous myth in the modern world

ترجمه: در واقع این ایده که هیچ نماینده‌ای از تمدن منفرد، یک تمدن فاسد نشده منفرد، وجود ندارد باید بسان اسطوره‌ای بالقوه خطرناک در جهان جدید تصدیق شود.

ترجمه پیشنهادی: در واقع، باید این نظر را که نمایندگان تنها یک تمدن، یعنی تنها یک سنت دست‌نخورده و طبیعی وجود دارد، باید اسطوره‌ای بالقوه خطرناک در جهان متجدد دانست.

توضیح: عدم فهم مراد نویسنده موجب شده است که مترجم محترم دست به ترجمه‌ای تحت‌اللفظی و در عین حال کاملاً مغایر با نظر نویسنده بزند. مراد نویسنده آن نیست که باید این ایده را همانند یک اسطوره تصدیق کرد، بلکه مراد

این است که باید این اندیشه را به عنوان یک افسانه بالقوه خطرناک تلقی کرد. ترجمه تحت‌اللفظی واژه «recognized» و نیز عدم توجه به واژه «dangerous» موجب شده است که معنایی مغایر با مراد نویسنده القا شود. مترجم محترم، به قدری به ظاهر الفاظ و جمله دل بسته است که تعبیر «a single unspoiled tradition» را که در متن، همانند بدل یا عطف‌بیان است به همان حالت زبان مبدأ آورده که بسیار مبهم بوده و جایگاه آن در ترجمه مشخص نیست.

15. MacIntyre expresses grave doubts about the direction of modern society, which seems to have cut itself off from the traditions which have the most to offer it.

ترجمه: مک/ایتایر در مورد سمت‌وسوی جامعه جدید ابراز می‌دارد که به نظر می‌رسد رابطه‌اش را با سنتی که بسیار چیزها به آن عطا کرده است، قطع می‌کند.

ترجمه پیشنهادی: مک/ایتایر، شک و تردیدهای جدی و مهمی درباره جهت‌گیری جامعه متجدد ابراز می‌کند؛ جامعه‌ای که به کلی از سنت‌هایی که مطالب فراوانی برای عرضه به آن دارد، قطع رابطه کرده است.

توضیح: مترجم محترم، واژگان «grave doubts» را از نظر انداخته و علاوه بر آن، مفهوم جمله را به درستی متوجه نشده است.

16. Volf thinks that MacIntyre must want to eliminate the impurity, the hybridity, of traditions in order to make them into the sort of coherent systems from which moral and rational evaluations can be issued.

ترجمه: ولف خیال می‌کند که مک/ایتایر خواستار ریشه‌کن کردن ناخالصی (چند رگه و مخلوط بودن) از سنت‌هاست. آنها را به نوعی نظام‌های منسجم تبدیل کند و از آنها ارزش‌گذاری عقلانی و اخلاقی بیرون کشد.

ترجمه پیشنهادی: از نظر *ولف*، مک/یتتایر لابد در صدد بوده است که ناخالصی؛ یعنی چندرگه بودن، سنت‌ها را برطرف کند تا از این طریق آنها را به همان نوع نظام‌های منسجمی تبدیل کند که بتوان از آنها نحوه ارزیابی‌های اخلاقی و عقلی بیرون کشید.

توضیح: مترجم محترم، به درستی منظور نویسنده را دریافته است؛ از این‌رو، حتی صدر و ذیل ترجمه از ارتباط معقول برخوردار نیست.

17. Indeed, the tradition of which he is most fond, the Thomistic, is admittedly a hybrid of Christian and Aristotelian thought, with strong influences traceable to Muslim thought.

ترجمه: در واقع، سنتی که بسیار مورد علاقه اوست، توماس‌گرایانه، اختلاطی از تفکر مسیحی و ارسطویی همراه با تأثیرات عمیقی که قابل ردیابی در تفکر اسلامی است.

ترجمه پیشنهادی: در واقع، سنتی که او شیفته آن است، یعنی سنت تومیستی، مسلماً آمیزه‌ای از اندیشه ارسطویی و مسیحی است که به شدت از تفکر اسلامی تأثیر برگرفته است.

توضیح: اشتباهات مترجم محترم روشن است؛ اولاً، ترجمه عبارت کاملاً تحت‌اللفظی و نامفهوم است، به گونه‌ای که اساساً واژه «the Thomistic» را بدون هرگونه تصرف و با همان ساختار جمله انگلیسی، در جمله فارسی تکرار کرده است؛ ثانیاً، جمله فارسی را به طور ناقص بیان داشته است.

18. Moreover, we should expect that MacIntyre would argue that the 'basic commitments' Volf finds at the essence of Christianity will mean different things to different people depending upon the traditions of thought upon which they draw to interpret them.

ترجمه: به علاوه متوقع است که مک/یتتایر چنین استدلال کند: *ولف* از تعهدات اساسی که جوهره مسیحیت می‌یابد معنای متفاوتی برای مردم مختلف بر حسب سنت‌های فکری‌ای دارد که بر اساس آنها باید آن تعهدات را تفسیر کرد.

ترجمه پیشنهادی: به علاوه بر این، ما باید متوقع باشیم که مک/ایتنایر چنین استدلال کند که تعهدات اساسی‌ای که ولف در جوهره مسیحیت می‌یابد از نظر افراد گوناگون، بسته به سنت‌های فکری‌ای که آنها برای تفسیر این تعهدات اساسی دارند، معانی متفاوتی خواهد داشت.

توضیح: همان‌گونه که از دقت در متن انگلیسی به دست می‌آید، مراد نویسنده آن نیست که ولف معنای متفاوتی را می‌یابد، بلکه مراد این است که این تعهدات اساسی معانی گوناگونی خواهد داشت، به تعبیر دیگر، فاعل فعل «mean» کلمه مرکب «basic commitments» است نه «Wolf»، اما مترجم محترم، بدون توجه به ارتباط دستوری عناصر تشکیل‌دهنده جمله، معنای نامفهوم و نادرستی از عبارت به دست داده است.

19. Against MacIntyre, however, I have argued that a Christian theologian will not necessarily want to get rid of the “hybridity”—she will be much more interested in affirming *basic Christian commitments in culturally situated ways* than in forging coherent traditions.

ترجمه: اما من علیه مک/ایتنایر استدلال می‌کنم که یک الهی‌دان مسیحی این‌گونه نیست که الزاماً بخواهد چند رگه‌بودن را بزدايد - آن زن (مثلاً یک زن مسیحی) علاقه بیشتری به ابراز تعهدات مسیحی خواهد داشت تا در سنت‌های منسجم بیگانه.

ترجمه پیشنهادی: اما من برضد مک/ایتنایر استدلال کرده‌ام که یک الهی‌دان مسیحی، ضرورتاً خواهان حذف ناخالصی (موجود در سنت‌ها) نخواهد بود؛ یعنی او بیشتر به تثبیت تعهدات اساسی مسیحی به شیوه‌های مربوط به یک فرهنگ خاص علاقه‌مند خواهد بود تا به جعل سنت‌های منسجم.

توضیح: مترجم محترم کلمه «she» را به معنای «آن زن» معنا کرده است و چون این سؤال را به ذهن می‌آورد که «کدام زن؟» در داخل قلاب توضیح «مثلاً»

یک زن مسیحی» را افزوده است، در حالی که ضمیر مؤنث «she» در اینجا نباید ترجمه شود. نویسندگان انگلیسی زبان به دلایلی، از جمله غلبه روحیه فمینیستی، برای اشاره به اسم مورد بحث، گاه به جای استفاده از ضمیر مذکر که همواره معمول بوده، از ضمائر مؤنث استفاده می‌کنند و چنانچه معلوم است ترجمه این ضمائر به مرجع مؤنث، موجب تشویش و نامفهوم شدن منظور نویسنده می‌گردد. در واقع، مرجع این ضمیر در متن همان «Christian theologian» می‌باشد و ترجمه آن به «او»، مراد نویسنده را کاملاً می‌رساند. نکته دیگر آنکه مترجم محترم، واژه «forging» را - به غلط - به معنای بیگانه گرفته و در واقع به جای کلمه «foreign» (بیگانه) معنا کرده است. همچنین متعلق حرف «in» را که پس از «than» آمده است به طور درست متوجه نشده است.

20. We will suspect that hybrid traditions will be more open than coherent traditions not only to be shaped by these commitments but also to be enriched by each other.

ترجمه: و ما گمان می‌کنیم که سنت‌های چند رگه بازتر از سنت منسجم خواهند بود، نه فقط در شکلی که این تعهدات به آنها می‌دهند، بلکه همچنین به این جهت که موجب غنای یکدیگر خواهند شد.

ترجمه پیشنهادی: به گمان ما، سنت‌های چندرگه بیش از سنت‌های منسجم، نه تنها پذیرای آنند که با این تعهدات شکل گیرند، بلکه پذیرای آنند که یکدیگر را غنا ببخشند.

توضیح: غفلت از معانی اصطلاحی واژگان، موجب ارائه معنایی نامفهوم و نادرست خواهد شد. «Be open to sth» به معنای پذیرا بودن چیزی و یا نظایر آن است و عدم توجه به این معنای اصطلاحی موجب نامفهوم شدن ترجمه شده است. این امر همچنین - آن‌گونه که از ترجمه و مقایسه آن با ترجمه پیشنهادی پیداست - سردرگمی مترجم محترم را در ترجمه جملات بعدی دوچندان کرده است.

21. Although the expressions 'clash of civilizations' and 'dialogue among civilizations' seem naturally enough opposed,

ترجمه: گرچه اظهارات «برخورد تمدن‌ها» و «گفت‌وگوی تمدن‌ها» ظاهراً به حد کافی مطرح شده.

ترجمه پیشنهادی: هرچند دو تعبیر «برخورد تمدن‌ها» و «گفت‌وگوی تمدن‌ها» به طور مسلم به اندازه کافی مغایر و متضاد به نظر می‌رسند،

توضیح: واژه «expression» در اینجا به معنای تعبیر است و نه اظهارات و این با اندکی دقت در عبارت روشن می‌گردد. و چون در انگلیسی معدود عدد دو نیز جمع بسته می‌شود، می‌توان برای روان‌شدن عبارت، آن را به «دو تعبیر» ترجمه کرد. همچنین واژه «opposed» به معنای در تغایر بودن و تنافی داشتن و مانند آن است و ترجمه آن به مطرح شدن نادرست است.

22. To speak of dialogue is to speak of a means by which the gap between other and self may be bridged.

ترجمه: برای سخن گفتن در باب گفت‌وگو باید از ابزاری سخن گفت که با آن بتوان بر شکاف بین دیگری و خود پل زد.

ترجمه پیشنهادی: سخن گفتن از «گفت‌وگو» در واقع سخن گفتن از شیوه‌ای است که به مدد آن می‌توان اختلاف میان «خود» و «دیگری» را برطرف کرد.

توضیح: در متن مبدأ کلمه‌ای که بایستگی را برساند وجود ندارد. همچنین ترجمه کلمه «means» به ابزار در اینجا مرجوح است.


23. The solution to the problem of how to understand dialogue among civilizations I would like to suggest draws upon elements of both the anthropological analogy model and the representational model.

ترجمه: برای راه حل مسئله چگونگی فهم گفت‌وگوی بین تمدن‌ها لازم است پیشنهاد کنم که از عناصر هم‌مدل همیشگی مردم‌شناختی و هم‌مدل نمایندگی استفاده شود.

ترجمه پیشنهادی: راه حلی را که مایلیم برای چگونگی فهم گفت‌وگوی تمدن‌ها پیشنهاد کنم آن است که هم از عناصر مدل تمثیل مردم‌شناسانه و هم از عناصر مدل نمایندگی گفت‌وگوی تمدن‌ها استفاده شود.

توضیح: در عبارت انگلیسی واژه‌ای که دلالت بر لزوم (لازم است..) کند وجود ندارد. کلمه «like» بیانگر تمایل نویسنده است. همچنین مترجم محترم در ترجمه عبارت «both...» به نحوی نادرست همان ساختار انگلیسی را رعایت کرده است و از این رو موجب ابهام عبارت فارسی شده است. (ترجمه واژه «analogy» به همیشگی یا سهو قلم نویسنده است و یا خطای انگشت تایپگر شتاب‌زده!

در پایان، دوست دارم به متولیان مجلات علمی، به ویژه مجلات و نشریاتی که در حوزه دین‌پژوهی مشغول خدمت و نشر معارف دینی هستند توصیه کنم که با استفاده از کارشناسان و محققان کارکشته، مقالات و ترجمه‌هایی را که برای چاپ در نظر می‌گیرند به دقت مورد مطالعه و بررسی قرار دهند و بدین ترتیب هم از صرف هزینه بی‌جهت خودداری کنند و هم اعتبار غنای نشریه خود را حفظ کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی